

تهیه و تنظیم:  
مهندس اکبر شیرزاده

# ایران در عصر صفوی: تجدید حیات صنعت نساجی

شخص او بود. در سیاست داخلی قدرت شاه و حکومت مرکزی را برتر و لازم‌تر و گرامی‌تر از هر چیزی می‌شمرد تا آنجا که در این راه فرزندان عزیز خود را نیز به خطا یا به حق فدا کرد. در آباد کردن کشور هیچ‌گاه از ایجاد شهرهای تازه و ساختن راه‌ها، پل‌ها، کاروانسراها، مساجد و امثال آن فارغ نمی‌نشست.

امنیت ایران و آسایش طبقات عامه در زمان او کم‌نظیر بوده است. در سیاست خارجی نیز باید گفت که روابط سیاسی و تجاری ایران با کشورهای اروپا و آسیا در حقیقت از زمان او آغاز شد. این پادشاه برخلاف جدش شاه طهماسب که از تعصب بسیار، سوداگران و سفیران اروپایی را از درگاه خود می‌رانند و حتی دستور می‌داد که بر جای پای ایشان خاکستر بریزند، خود سفیرانی به کشورهای اروپا روانه کرد و با پادشاهان بزرگ آنان پیمان‌های سیاسی و تجاری بست. بازرگانان ایرانی را با نمونه کالاها و محصولات کشور به اروپا فرستاد و سوداگران فرنگی را که به ایران آمدند به مهربانی و گشاده‌رویی پذیرفت. اجازه داد در شهرهای بزرگ و بندرهای ایران تجارتخانه برپا کنند و اجناس خود را بفروشند.

توجه به هنر و علاقه شاه عباس به نقاشی:

مخصوص سفارش و طراحی خود شاه است. شلوار از ماهوت به صورت راه راه و چک‌های چرمی شمشیر و خنجر در پر شال نصب شده و پرنده‌ای در دست شاه قرار دارد.

اگر شاه عباس به سلطنت نمی‌نشست، دولت صفوی در اندک مدت متلاشی و منقرض می‌شد. شاه عباس جوانی باهوش، مدبر، جسور، قدرت‌جو، آهن‌دل، بی‌رحم، سخت‌کوش، بسیار میهن‌پرست و دلسوز مردم بود. وی با همین صفات نیک و بد در مدت کوتاهی مدعیان قدرت شاه و پسران صاحب نفوذ قزلباش را از میان برداشت و چنانکه آرزوی ایرانیان بود دست بسیاری از سرداران و حکام ترک نژاد را از فرمانروایی کوتاه کرد، استقلال سیاسی و وحدت ملی ایران، پس از انقراض ساسانی در حقیقت به دست این پادشاه بزرگ تجدید شد و دولت ایران به راهنمایی عقل و تدبیر او در سیاست داخلی و خارجی راه تازه‌ای پیش گرفت که مایه قدرت، بلندنامی و شهرت آن در سراسر جهان گردید.

کشور پهناور و آبادان و آسوده و دولت نیرومند و نامدار و ثروتمندی که شاه عباس به وجود آورد، حاصل استعداد ذاتی، نبوغ، حسن سیاست، تدبیر، موقع‌شناسی، روشنفکری، جسارت و بی‌باکی



تصویر شماره ۱- شاه عباس

دوره شاه عباس: تصویر شماره یک، شاه عباس اول اثر یکی از نقاشان زمان اوست. وی کلیچه پشمی برتن دارد و طراحی لباس بسیار زیبا که دکمه‌های آن در دو پهلو نصب شده و از زیر کتف برگشت خورده و بسیار خوش ظاهر می‌باشد. تاج



تصویر ۲- نمونه‌ای از نقاشی آقارضای مصور کاشانی

تصویر شماره ۳ تصویر رضا عباسی نقاش بسیار چیره دست است که توسط معین مصور یزدی در سال ۱۰۸۷ تهیه شده است و طرز نشستن و طرز کار یک استاد مسلم در آن زمان را نشان می‌دهد. نوع لباس و دوخت آن و حالات صورت خود بسیار جذاب و دیدنی است.

رضا عباسی: نقاش چیره دست دیگری نیز با شاه عباس و آقارضا معاصر بوده است که آثار خود را رضا عباسی رقم می‌کرد.

رضا عباسی به شبیه‌سازی بیشتر مایل بوده و در میان آثاری که از او باقی مانده است صورت‌های تنها از اشخاص یا مجالس چند نفری یا صورت‌های انسان و حیوان بیشتر دیده می‌شود و این صورت‌ها غالباً در فاصله سال‌های ۱۰۲۷ و ۱۰۴۱ هجری ساخته شده است. تصویر شماره ۴ نیز نمونه‌ای از نقاشی استاد مسلم رضا عباسی که در سال ۱۰۲۷ ترسیم شده است. در این تصویر طرز لباس و پوشیدن آن در زمان شاه عباس به وضوح مشخص است. شغل یقه‌دار برگشته، لبه یقه گلابتون کاری شده و دکمه‌ها روی لباس خود نمایشی از طرز دوخت لباس و شلوار تا زانو از جنس ترمه می‌باشد که دارای گل و بوته نقش‌دار است.

تصویر شماره ۲، نمونه‌ای از نقاشی آقا رضا مصور کاشی است که در سال ۱۰۰۷ هجری قمری در مشهد کشیده شده است.

لباس از پشم دستباف تهیه و دوخته شده و شال پشمی در کمر دارد که نشان از لباس کارگران است. آقارضای کاشی نقاش معروف‌ترین نقاشان زمان شاه عباس آقا رضا، پسر علی اصغر کاشانی است. علی اصغر از نقاشان چیره‌دست است معاصر شاه طهماسب اول بود که در خدمت برادرزاده آن پادشاه سلطان ابراهیم میرزا به سر می‌برد؛ پسرش آقارضا نیز در تصویرسازی و چهره‌پردازی استاد شد و به خدمت شاه عباس رسید.

یکی از مورخان درباره او چنین نوشته است «در فن تصویر و چهره‌گشایی شرقی عظیم کرد. اعجوبه‌ای از زمان گشت و در این عصر و زمان مسلم‌النبوت است در خدمت شاه عباس مورد عواطف و الطاف گردیده است.»

آقارضا تا ماه شوال سال ۱۰۴۸ هجری یعنی ده سال پس از مرگ شاه عباس زنده بوده است. تصویری به امضا و تاریخ از او در دست است که در روز چهارشنبه پنجم شهر شوال ۱۰۴۸ کشیده است. آقارضا آثار خود را در آغاز کار فقط «رضا» امضا می‌کرد.

بیشتر پادشاهان صفوی به نقاشی توجه و علاقه مخصوص داشتند. چنانکه شاه اسماعیل اول از آغاز پادشاهی نقاشان زبردست را تشویق می‌کرد. پسرش شاه طهماسب اول نیز چندان بدین هنر علاقه داشت که خود از آغاز جوانی به کار نقاشی همت گماشت و نزد استادان بزرگی مانند بهزاد، سلطان محمد، آقا میرک نقاش اصفهانی و ... به آموختن نقاشی پرداخت. برادرزاده‌اش ابراهیم میرزا (پسر بهرام میرزا) نیز گذشته از خوشنویسی و موسیقی در نقاشی هم دست داشت و بسیاری از نقاشان بزرگ زمان در خدمت او به سر می‌بردند. (مانند شیخ محمد سبزواری، علی اصغر کاشی و عبدالله شیرازی)

شاه عباس هم مانند نیاکان خویش، نقاشان چیره‌دست را تشویق می‌کرد و آنان را در کاخ‌های سلطنتی یا کتابخانه خود به کار نقاشی و تزئین اطاق‌ها و تالارها مشغول می‌ساخت. یکی از جهانگردان ایتالیایی که در ماه جمادی‌الاول سال ۱۰۲۷ هجری قمری با اجازه مخصوص شاه زمانی که نقاشان مشغول تزئین و آرایش بودند و تالارها و اطاق‌های آن بوده‌اند تماشا کرده است، وی چنین می‌نویسد: «در این عمارت که هنوز به پایان نرسیده است؛ چند نقاش دیدم که به کار نقاشی مشغول بودند.

در یک طرف تصویر شاه عباس را در میان دسته‌ای از دختران که ساز می‌زدند و می‌خواندند کشیده بودند. ولی این تصویرها همان قدر به شاه شباهت داشت که من به پدر خوانده خود اندره پولیس! در طرف دیگر نیز تصویر مادر تهمورث خان امیر گرجستان کشیده بودند که به پای شاه افتاده بود و استغاثه می‌کرد که از ویران کردن کشورش چشم پوشیده و آنجا را چنانکه هست نگهدارد.

شاه عباس با نقاشان بیگانه‌ای هم که همراه سفیران یا تنها به ایران می‌آمدند مهربانی بسیار می‌کرد و به ایشان اجازه می‌داد که صورتش را بکشند و با خود ببرند. به همین سبب اکنون از این پادشاه تصاویر مختلفی که نقاشان هندی و اروپایی کشیده‌اند در دست است و در این مقاله از نظر خوانندگان خواهد گذشت.



منسوجات ایران در دوره صفویه تنها دارای تصاویر انسان نبود بلکه بعضی از آنها فقط با رسوم نباتات تزئین می‌شد و این امر در تصاویر کتب خطی راجع به قرن دهم (شانزدهم میلادی) بسیار دیده شده است. با تمام این تفصیلات باید گفت بهترین پارچه‌هایی که ایرانیان به وجود آورده‌اند مخملی است که اشکال آن با مهارت و استادی تهیه شده و با رنگ‌های زیبا که دلیل تکامل فنی است رنگ‌آمیزی گردید

کتابداری را از او گرفتند و به علیرضای عباسی خوشنویس که مخصوصاً شاه را بدین کار تشویق می‌کرد و تحریرص سپرد؛ ولی تا پایان زندگانی نیز موجب کتابداری را می‌گرفت و چون در نقاشی زبر دست بود شاه و درباریان با وی مدارا می‌کردند.

نقاشان معروف دیگر در زمان شاه عباس از نقاشان معروف دیگر نیز حبیب‌الله ساوجی است که در شبیه‌سازی استاد بود. در آغاز کار چندی در خدمت حسین‌خان شاملو حکمران قم به سر برد و با او به هرات رفت. ولی شاه عباس او را از خان شاملو گرفت و در سلک نقاشان خاصه خود درآورد. دیگری مصور کاشی داماد آقا رضای نقاش که مردی درویش خو بود.

نقاشان عالی و زبردست دیگری نیز با شاه عباس معاصر بودند. مانند سیاوش بیگ که نقاشی را نزد شاه طهماسب اول آموخته بود و شیخ محمد سبزواری نقاش و خوشنویس که کشیدن تصاویر فرنگی را در ایران متداول ساخت و علی اصغر کاشی پدر آقا رضا و میر یحیی تبریزی و مولانا کُپک هراتی و هم چنین پنج نقاش به نام حکیم لایق، ملا یگانه، ملا یکتا، ملا مفید و ملاترابی که هر پنج نفر از مردم بلخ و در خدمت امامقلی‌خان امیرالامرای فارس بودند. کلیه نقاشان مذکور همگی به همت و همراهی یکدیگر و شرکت در کار بافندگان و صنعتگران بالاخص غیاث‌الدین یزدی در تولید پارچه‌های نقش‌دار نقش‌دار و گل‌بوته‌دار و طرح‌های شکارگاه و مناظر بر روی پارچه‌های ترمه زربفت و حریرهای مخصوص پرده برای نشان دادن زیبایی طرح‌ها بسیار کوشش کردند و سطح تولید پارچه‌های نفیس و جدید و جذاب را



تصویر شماره ۵- تصویر یک مرد فرنگی



تصویر شماره ۴- نمونه‌ای از نقاشی رضا عباسی

وی سرانجام در سال ۱۰۳۶ هجری قمری در قزوین درگذشت.

**صادق بیگ افشار:** یکی دیگر از نقاشان معروف زمان شاه عباس، صادق بیگ افشار تبریزی بود که شعر هم می‌گفت و صادقی تخلص می‌کرد. صادق بیگ در جوانی نزد استاد مظفر علی از نقاشان چیره‌دست زمان نقاشی آموخت و در این هنر به مرتبه کمال رسید ولی چون آن زمان کار نقاشی در تبریز رواجی نداشت دست از کار کشید و قلندری اختیار کرد و با درویشان و قلندران به سیاحت و جهانگردی پرداخت.

چندی بعد امیرخان موصولی ترکمان از سرداران بزرگ قزلباش که حکمران همدان بود. او را از لباس قلندری بیرون آورد و از ندیمان خود ساخت. در زمان شاه اسماعیل دوم به خدمت کتابخانه سلطنتی وارد شد و در زمان شاه محمد خدابنده ریاست کتابخانه را به او سپردند. از این زمان به صادقی کتابدار معروف گشت و تا سال‌های اول پادشاهی شاه عباس در این شغل باقی بود اما چون مردی مغرور، تندخوی، بدزبان و تنگ حوصله بود؛ شاه و درباریان از او ناخرسند و متنفر بودند به همین سبب نزد شاه عباس منصب

کلیه کارهای رضا عباسی در کاربرد بافت پارچه توسط غیاث‌الدین یزدی برداشت شده و به کار رفته‌اند و ایجاد شاهکارهایی در فن پارچه‌بافی در آن زمان به وجود آوردند که در سطح موزه‌های اروپا به تجلی می‌باشد که همگی مدیون کار مشترک رضا عباسی و غیاث‌الدین یزدی می‌باشد.

در تصویر شماره ۵، یک مرد فرنگی به نام رابرت شرلی انگلیسی مشاهده می‌شود که به‌عنوان سفیر شاه عباس به کشورهای اروپایی رفت تا روابط سیاسی بین ایران و اروپا را برقرار کند. رضا عباسی در این اثر، طرز لباس پوشیدن و نوع بافت و طریقه دوخت این نوع لباس که همگی در ایران تهیه شده را به تصویر کشیده است.

رابرت شرلی و برادرش آنتونی شرلی از جانب شاه عباس به سفارت مأمور شد که به دربار سلاطین اروپا برود و دیگر به ایران بازنگشت ولی رابرت شرلی در خدمت شاه ماند و در جنگ‌های ایران و عثمانی شجاعت و فداکاری بسیار نشان داد و به همین سبب شاه عباس، به او تاج قزلباش عطا کرد.

بالا برده و تصویرهایی خلق کردند که تا آن زمان ارائه نشده بود که این خود یک نوع خلاقیت بود که نقاشان به ظهور رسانیدند و بافندگان و طراحان پارچه مجبور شدند پارچه‌هایی با همین رنگ‌ها و هماهنگ آن‌ها تولید کنند که بسیار کار مشکل و احتیاج به تبحر و کارایی داشت. آنان مخمل‌هایی را به وجود آوردند که از نظر رنگ تا آن زمان ارائه نشده بود و باعث سفارش‌های زیادی از این نوع البسه، پرده، رومبلی و مصارف روی زین اسب شد.

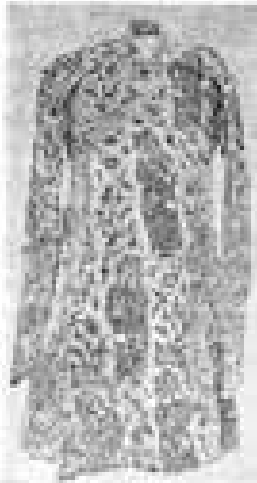
واضح است که اسلوب و سبک رضا عباسی در تصویر اشخاص در حالات مختلف و حرکات و رفتار آن‌ها نمایان بود که در نقش و نگار قماش‌های گران قیمت قرن دهم و یازدهم تاثیر به سزایی بوجود آورد. البته نباید فراموش کرد که موضوعات تزئینی منسوجات مورد بحث از حیث تنوع در حجم تزئینات و در مظهر کلی و رنگ‌هایی که در آن‌ها به کار رفته اختلاف کلی با هم داشتند اما روش طراحی و تزئین بسیار بدیع و محکم بوده و اشکال مختلف آن به تدریج کنار قرار می‌گرفت و بیننده را متحیر می‌ساخت. بهترین نمونه و شالی که برای این گفتار می‌باشد قطعه دیبای مشهوری است که در سال ۱۹۲۹ به دست آمد با رنگ‌های بدیع و اشکال دقیق و زمینه‌ای که به مناطقی تقسیم شده و بعضی از آن‌ها از ستاره‌های هشت بر نگین دارد و بعضی از همان ستاره‌های بدون نگین تشکیل یافته ممتاز می‌باشد. در ستاره وسط ترسیم پادشاهی است که بر تخت نشسته و در سایر ستاره‌ها اشکال فرشتگان است که بعضی به سازندگی مشغولند و بعضی دیگر حامل هدایا و تحفی هستند اما در مناطقی کوچک اشکال حیوانات متعدد حقیقی و افسانه‌ای دیده می‌شود مناطق کوچکتری نیز هست که بیش از ۹۰ نوع از پرندگان مختلف است که با اسلوب طبیعی بسیار دقیق و حالات متنوعی کشیده شده‌اند.

منسوجات ایران در دوره صفویه تنها دارای تصاویر انسان نبود بلکه بعضی از آن‌ها فقط با رسوم نباتات تزئین می‌شد و این امر در تصاویر کتب خطی راجع به قرن دهم (شانزدهم میلادی) بسیار دیده شده است. با تمام این تفصیلات باید گفت بهترین پارچه‌هایی که

ایرانیان به وجود آورده‌اند مخملی است که اشکال آن با مهارت و استادی تهیه شده و با رنگ‌های زیبا که دلیل تکامل فنی است رنگ‌آمیزی گردید و مهمترین مراکز بافت این نوع مخمل در اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری (اواخر شانزدهم و اوایل قرن هفدهم میلادی) شهر کاشان بود. مخمل‌های این شهر از حیث خوبی رنگ و نقش و نگار که بسیار شباهت به تصاویر کتب خطی دارد؛ ممتاز شده است. زمانی که شاه عباس یکی از بزرگترین مشوقین و حامیان هنر و هنرمندان ایرانی به پادشاهی رسید، توجه خاصی به دیبا و مخمل‌های گران‌بها نمود و در بیشتر شهرهای ایران خصوصاً اصفهان، کارخانه‌هایی برای بافتن این نوع قماش با سرمایه خود تأسیس کرد؛ بنابراین پیشرفت محسوسی در نساجی حاصل شد.

منسوجات دوره شاه عباس در به کار بردن رنگ‌های ملایم و تصاویری شبیه به حالت طبیعی و واقعی، ممتاز و آن‌طور که شایع است ثروت ایران در دوره شاه عباس افزایش یافت و مردم اقبال زیادی به مصرف پارچه‌های قیمتی و نفیس کردند؛ بدیهی است که با افزایش مصرف، میزان تولید کارخانه‌ها افزایش یافت و به همان اندازه از کیفیت پارچه و زیبایی نقش و نگار آن کاسته می‌شد ولی در پارچه‌هایی که برای دربار و رجال دولت بافته می‌شد این نقص وجود نداشت و هیچگاه از زیبایی و استحکام پارچه‌ها کاسته نمی‌شد. مهمترین موضوعات تزئینی این قماش‌ها در اواخر قرن دهم (شانزدهم میلادی) و اوایل قرن یازدهم هجری عبارتند از تصاویر اشخاص که با تکلفات و تصنیفات زیادی کشیده می‌شد، جوانان و دوشیزگان سرو قد و ماهرو ولی جنبه زنانگی تصاویر به اندازه‌ای بالا بود که تفاوت گذاردن بین زن و مرد دشوار به نظر می‌رسید! اشکال این دختران و پسران نه تنها در تصاویر کتب خطی و پارچه‌ها دیده می‌شد بلکه در روی دیوارها، پرده‌ها و آجرهای کاشی نیز مشاهده میشد. تصویر شماره ۶، یک قطعه پارچه مخمل بسیار عالی است که به قرن ۱۱ هجری و ۱۷ میلادی مربوط است و در حال حاضر در موزه استکهلم نگهداری می‌شود.

شاه عباس اول: چنان که از مطالعه در تاریخ زندگانی خصوصی و سیاسی او بر می‌آید در صفات و اخلاق شخصی جامع اضداد بوده است.



تصویر شماره ۶- بالاپوش مخمل

خود خواهی و درویش خویی، استبداد و ملایمت، ترحم و سنگدلی، گذشت و انتقام جویی، قدردانی و حق شناسی، قساوت و مهربانی، لثامت و بخشندگی، ستمکاری و فرشته‌خویی در وجود او با هم آمیخته بود و چنان به زودی تغییر خلق و خوی می‌داد، که نزدیکان و ندیمان‌ش از در یافتن صفات ذاتی و طبیعی وی عاجز می‌شدند. یکی از منشیان مخصوصش درباره اخلاق و صفات وی چنین نوشته است «این شهریار کامکار برخلاف قاعده اهل روزگار، آب و آتش را با یکدیگر امتزاج داده، ضد دین را با هم جمع نموده‌اند. چنانکه کمال حدت طبع و آتش مزاجی و قهاری و عظمت و شکوه و جلال پادشاهی را با نهایت ملایمت و همواری و درویش نهادی جمع کرده‌است. هنگام ملایمت و کوچک دلی چنان بی‌تکلفانه و مخصوصاً به مردم و ملا زمان و غیره، رفتار می‌کند که گویی برادران و یاران یکدیگرند. در سایر احوال، به تخصیص در حالت مهابتی و استیلائی قوه غضبی و سطوت و جلال، نوعی آثار غضب در وی مشاهده می‌شود که آنان که هم‌صحبت و انیس وی بودند یارای آن ندارند که حرف بی‌نسبت بر زبان آورند. (تاریخ عالم آرای عباسی، نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس)